



بررسی تاثیرات روند جهانی شدن بر دانشگاه‌ها و دانشگاهیان ایران

حمید جاودانی *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۶

تاریخ تایید مقاله: ۸۸/۸/۲۷

چکیده:

پدیده‌های اجتماعی را آن گاه می‌توان به درستی پایش کرد که آن را در چارچوب و زمینه‌های تاریخی اجتماعی به بررسی نشست. بررسی نهاد‌های تولید دانش و برنامه‌ریزی - بر آنها که در عصر امروز تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر پدیده جهانی شدن هستند - نیازمند مفهوم‌سازی و درک درست از این پدیده می‌باشد. از این رو در این جستار، نخست مفهوم جهانی شدن در کلیت آن از دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف با نگاهی انتقادی مورد بررسی و سپس ابعاد و پیامدهای برآمده از پیدایش این پدیده بر نهاد‌های تولید دانش در ابعاد مختلف جامعه شناختی اقتصادی و فن‌آوری مورد بازکاوی قرار می‌گیرد. در پایان با مروری بر چالش‌های موجود کشور در فرایند توسعه علمی کشور به راهبردهایی که احتمالاً می‌تواند به اصلاح وضع موجود بیانجامد، اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، دانشگاه، جامعه دانش.

و به ویژه در کشورهای جهان سوم اتفاق می‌افتد، به این ترتیب رخ می‌دهد که مبانی نظری بر بنیان رویکرد «جهانی شدن» که مورد پذیرش بیشتر اندیشه پردازان این قلمرو اندیشه‌ای است پی نهاده می‌شود، اما برنامه عمل، در واقع، بر مبنای پیروی از الگوهای مسلط اقتصاد جهانی تدوین می‌شوند، که مسیر جهانی سازی را هموار می‌سازد.

به هر حال، برای درک صحیح‌تری از مفهوم «جهانی شدن» - که در زبان انگلیسی به صورت لازم و متعدی صرف می‌شود که وجه لازم آن در فارسی به «جهانی سازی» و وجه متعدی آن به «جهانی شدن» برگردانده می‌شود - از جمله نکاتی است که تأمل بیشتری را می‌طلبد. در زبان فرانسه نیز برای تبیین بهتر این دو فرایند متمایز، از دو فعل متفاوت *globalization* به مفهوم «جهانی شدن» و "*modialisation*" به معنای «جهانی سازی» استفاده شده است. ریشه نخستین واژه *globe* است که به مفهوم کره زمین است و ریشه دومین واژه "*monde*" است که در فارسی به دنیا و جهان برگردانده شده است (Gille Breton & Michelle Lambert, 1387:8).

به هر حال، برای تبیین بهینه این مفهوم که هر کدام بازتاب دهنده نظریات، رویکردها و گرایش‌ها کاملاً متمایزی است رویکردهای جهانی سازی - جهانی شدن را که در ادبیات موضوع به گونه‌های متفاوتی مطرح شده است را شاید بتوان چنین جمع‌بندی کرد:

مدرسه فکری لیبرالیسم: جهانی شدن اقتصاد

این مدرسه فکری، بیشترین حمایت را از جهانی شدن اقتصاد به عمل می‌آورد. اندیشه پردازان این قلمرو فکری، با تأکید بر فن‌آوری‌های نوین به ویژه نقش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در کاهش هزینه‌های معاملاتی - به ویژه کالای دانش - در سطح بین‌المللی که موجب افزایش گستره و شتاب چشمگیری در روابط و مبادلات اقتصادی میان کشورها شده است که در واقع به جهانی شدن سرمایه، حرکت کالاها و نیروی کار انجامیده است، این پدیده را «جهانی شدن اقتصاد» تعبیر می‌کنند. به باور آنها، این تغییرات، تغییرات اجتماعی، سیاسی دیگری را نیز به دنبال خواهد داشت. از جمله مهم‌ترین تغییرات

بررسی تاثیرات فرآیند جهانی شدن بر دانشگاه‌ها و دانشگاهیان ایران، نخست نیازمند مفهوم سازی دقیق‌تری از پدیده جهانی شدن و ابعادی است که این مفهوم را در بر می‌گیرد. پس از آن شاید بهتر بتوان اثراتی را که این فرآیند بر وجوه مختلف زندگی بشر دارد، بررسی کرد. به ویژه اثرات آن بر نهادهای تولید، توزیع، ترویج و انتشار دانش که هم از یک سو موتور این تغییرات محسوب می‌شوند و هم خود نیز دستخوش تحولات عظیمی خواهند شد. بر مبنای مفهوم سازی و ایجاد درک مشترکی از گستره ابعاد تغییراتی که این پدیده می‌تواند بر نهادهای اجتماعی، از جمله نهادهای تولید و توزیع، ترویج و انتشار دانش داشته باشد، مسیر برای پایش و ارزیابی تغییرات بر دانشگاه هموارتر می‌شود.

چنین نگرشی به موضوع، در نتیجه، فرایند این نوشتار را نخست به واکاوی مفهومی و پس از آن رصد ابعاد، آثار و پیامدهای این پدیده هزاره سوم در ابعاد گوناگون جامعه شناختی، اقتصادی و فن‌آوری می‌کشاند. دنبال کردن این مفهوم سازی و پیامدهای برآمده از آن زمانی جنبه عینی و ملموس‌تری به خود می‌گیرد که به قلمرو وضعیت کلی کشورمان و به ویژه در سطوح دانشگاهی نیز گسترش یابد تا بتوان بر مبنای یافته‌ها و تطبیق آن با وضع موجود به راهبردهایی دست یافت که مسیر اصلاحات در نظام آموزش عالی ایران را فراهم سازد.

در بسیاری از مطالعات انجام شده در قلمرو جهانی شدن، به رویکردهای مختلفی اشاره می‌شود و سعی بر آن است که تمایزات این رویکردها برجسته شود. اما نکته‌ای که در این گونه از مطالعات کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، به هم آمیختگی آثار و پیامدهای دنبال کردن هر یک از این الگوهاست. این به هم آمیختگی، آشفتگی دوگانه‌ای در تحلیل‌ها و حتی یافته‌ها پدید می‌آورد. آشفتگی نوع نخست از آنجا ناشی می‌شود که حرکت مسلط بر مسیر ترسیم شده از سوی نئولیبرال‌ها در فرایند «جهانی سازی» به مثابه چالش‌های «جهانی شدن» تلقی می‌شود، اما تحلیل‌ها و رهیافت‌ها بر مبنای اندیشه نظری خردورانه فرایند جهانی شدن تدوین می‌شوند. آشفتگی نوع دوم که به نظر خطرناک‌تر می‌رسد،

نقش ملت-دولت‌هاست که در عرصه سیاست‌های بین‌المللی روندی فرو کاهنده را دنبال خواهد کرد. در عرض، بازیگران نوین همچون شرکت‌های فراملیتی و نهادهای غیردولتی بین‌المللی وارد عرصه سیاست بین‌المللی خواهند شد (جاودانی به نقل از Baylis & Smith؛ ۱۳۸۳).

مدرسه فکری واقع‌گرا: جهانی شدن سیاست

این رویکرد که در برابر نظریه جهانی شدن به روایت لیبرالیستی قد برافراشته است، بر این اندیشه پای می‌ورزد که یکپارچگی اقتصادی باعث تغییر ساختار سیاسی حاکم بر جامعه بین‌المللی نخواهد شد و جهان همچنان بر اساس یک نظام سیاسی مبتنی بر حاکمیت قدرت‌های سیاسی- نظامی اداره خواهد شد. بر اساس این رویکرد جهانی شدن عبارتست از: «تغییر اساسی در سازمان سپهر اجتماعی زندگی انسان‌ها از سطح ملی به سطح جهانی که از طریق جهانی شدن ساختارهای قدرت و روابط اجتماعی- سیاسی شکل می‌گیرد (جاودانی به نقل از Aeld، ۱۳۸۳).

در هر دو رویکرد، آنچه که در فرایند جهانی شدن نقشی اساسی ایفا می‌کند، برنامه‌ای است که از بالا طراحی شده و «مبادلات اجتماعی» و «همکنشی اجتماعی» که می‌تواند جامعه بشری را از خطرات آینده به دور دارد را نادیده می‌انگارد. بر مبنای این دو رویکرد اگر حتی تغییراتی در «سازمان سپهر اجتماعی زندگی انسان‌ها» انجام پذیرد، بیشتر بر مبنای مبادلات اقتصادی است. با این تفاوت که در مدرسه فکری لیبرالیسم تغییرات اقتصادی به ایجاد تغییر در روابط انسان‌ها می‌انجامد. اما در مدرسه فکری واقع‌گرا، تغییرات سیاست‌ها و نهادهای بین‌المللی است که به تغییرات اقتصادی می‌انجامد. این دو مدرسه فکری در مفهوم سازی در مورد جهانی شدن به «مفهوم اجتماعی»^۱ و کل نگرانه^۲ که ناشی از «آگاهی جهانی»^۳ نسبت به وضعیت کنونی شرایط انسان و «هویت زمینی»^۴ اوست چندان توجهی ندارند.

مطالعات تازه‌تر در زمینه جهانی‌سازی- جهانی شدن نیز بر مفاهیم گوناگون این پدیده اشاره دارند. جان، دلیو می‌یر^۵ (۲۰۰۷)، از دانشگاه استنفورد آمریکا، در مفهوم‌سازی در قلمرو جهانی شدن، آن را در دو معنا تفسیر می‌کند: «جهانی شدن به مثابه مبادله»^۶ و «جهانی شدن به مثابه فرهنگی و نهادی»^۷.

می‌یر معنای جهانی شدن به مفهوم مبادله را چنین توصیف می‌کند: «گسترش وابستگی و سطح معاملات در سراسر جهان». در این رابطه بیشتر به گسترش مبادلات اقتصادی توجه می‌شود: میزان تجارت بین‌المللی، زنجیره‌های تولید یا خدمات، جریان‌های فن‌آوری و مالکیت فکری، جریان‌های کار و کارگری و بیشتر از همه الگوهای سرمایه‌گذاری میان ملی (Meyer، ۲۰۰۷: ۲۶۲). می‌یر، مفهوم دوم جهانی شدن را به مثابه امری فرهنگی و نهادی و به منزله «آگاهی همه جانبه فرهنگی»^۸ در دو قلمرو توصیف می‌کند: الف) همبستگی^۹ و ب) جای گرفتن جوامع بومی و محلی در جامعه جهانی. او بر این باور است که چنین مفهومی از جهانی شدن با دو گزاره پیشنهادی روبه‌رو است:

۱. الگوهای جهانی به شدت بر اشکال و سیاست‌های ملی و بومی تأثیر می‌گذارند. تغییرات در الگوهای حاکم بر جهان به تغییر در الگوهای ملی می‌انجامد.
 ۲. الگوهای جهانی بر اهمیت «شهروند خوب»^{۱۰} در جامعه جهانی پای می‌فشارند و در نهایت ملت‌ها را به سوی فضیلت‌هایی در استاندارد جهانی هدایت می‌کنند (Meyer، ۲۰۰۷: ۲۶۴).
- به هر حال به نظر می‌رسد، آنچه که در این مطالعه به مثابه «جهانی‌سازی» مطرح شد، مسیر و هدف مشخصی را دنبال می‌کند که هدف نهایی آن پیشرفت- اغلب از نوع اقتصادی- است. روشن است که این پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همسوی با خود را نیز به همراه دارد. برای دستیابی به چنین پیشرفتی، همان‌گونه که می‌یر (۲۰۰۷) اشاره می‌کند لازم است که به استانداردسازی سیاست‌ها بر مبنای سیاست‌های کنزی و پس از آن سیاست‌های نئولیبرال پرداخت. اما به نظر می‌رسد آنچه که نیازمند کندوکاو و اندیشه‌پردازی

1. Social Meaning

2. Globality

3. Global Consciousness

4. Identité terrienne

5. John, w., Meyer

6. Globalization as Exchange

7. Globalization as Cultural and Institutional

8. Widespread Cultural Consciousness

9. Interde Pentence

10. Good Pendent

سیاست‌ها و سازماندهی ارتباطات خارجی خود هستند تا بتوانند امتیازات رقابتی خود را در محیط شاه راه‌های اطلاعاتی (Information Superhighway environment) حفظ کنند (Legrew, ۱۹۹۵). وی همچنین استدلال می‌کند که پارادایم جدیدی در آموزش عالی در حال شکل‌گیری است که دارای مشخصات زیر است:

پارادایم جدید (جامعه دانش)	پارادایم قدیم (جامعه صنعتی)
مرکز چند رسانه‌ای	فن‌آوری حاشیه‌ای
آموزش مادام‌العمر و مداوم	آموزش تک نوبتی
برنامه‌ریزی درسی باز و قابل انعطاف	برنامه‌ریزی درسی ثابت
آموزش محوری	نهاد محوری
مشارکتی	متمرکز
شبکه جهانی	محل‌گرایی

این تمایز در بخش اقتصاد نیز کاملاً قابل مشاهده است. کالاهای صنعتی در واحدهای مجزا و قابل شناسایی تولید می‌شوند و مانند یک قرص نان و یا یک اتومبیل مبادله و یا خرید و فروش می‌شوند. این تبادل به وسیله قواعد حقوقی خاص تحت کنترل قرار دارند و کالای مورد مبادله نیز به مصرف می‌رسد و تمام می‌شود اما اطلاعات و دانش کالاهایی نیستند که به مصرف برسند و تمام شوند، بلکه حتی مصرف آن نه تنها از آن نمی‌کاهد که می‌تواند موجب افزایش آن نیز شود. بنابراین می‌توان گفت که دانش یک محصول اجتماعی است و سوال در مورد هزینه، قیمت یا ارزش آن کاملاً با سوال در مورد ارزش کالاهای صنعتی متفاوت است.

در ساخت کالاهای صنعتی می‌توان به «کارایی تولید» قائل بود. بدین معنی که می‌بایست رابطه‌ی نسبی سرمایه و کار را در نظر گرفت و بنابر هزینه نسبی هر متغیر کمی ترکیبی مناسب برگزید. اگر سرمایه نمایان‌گر کار باشد، در آن صورت می‌توان از تئوری ارزش کار سخن گفت ولی یک جامعه پسا صنعتی به وسیله تئوری ارزش دانش شناخته می‌شود. این تدوین دانش است که مستقیماً به نوآوری منجر می‌شود. در این حالت، دانش هرچند

بیشتری است، معنای اجتماعی جهانی شدن است که نیازمند درک صحیح‌تری از مفهوم «جامعه جهانی» به عنوان شاه کلید پارادایم جامعه پسا صنعتی است که هنوز نیازمند باز شکل‌دهی به مطالعات جهانی شدن است. الموتی در این زمینه می‌نویسد: لازم است مطالعات از تشریح الگوهای افزایش دهنده «ارتباطات درونی جامعه جهانی» به تشریح فرایندی که به شکل‌گیری «جامعه انسانی جهانی» توسط نوع بشر می‌انجامد، سوق داده شود (Alamuti, ۲۰۰۷:۱).

به هر صورت جهانی شدن می‌تواند، یک مفهوم کلی را در بر داشته و آن تغییر دیدمانی (پارادایم) است که گذر از جامعه صنعتی به جامعه پسا صنعتی (به تغییر دانیل بل) یا جامعه دانش، ما را با آن روبه‌رو خواهد ساخت.

این مفهوم دربرگیرنده‌ی دو ویژگی اصلی است: نخست ماهیت انتقالی این تغییرات است و دوم نقش مرکزی فن‌آوری هوشمند است.

«این مفهوم شامل سه جزء اساسی و اصلی است: در اقتصاد (تغییر و تحول از ساخت و تولید به خدمات)، در فن‌آوری (مرکزیت صنایع مبتنی بر علوم جدید همچون رایانه، الکترونیک، علوم نوری و پلیمرها) و در جامعه شناسی (ظهور نخبگان جدید در امور فنی و پیدایش انواع طبقات نوین و لایه‌های اجتماعی) (همان).

به طور کلی می‌توان تمایز جامعه صنعتی و دانش را چنین خلاصه کرد که اولی مبتنی بر فن‌آوری ماشینی است و دومی توسط یک فن‌آوری هوشمند شکل گرفته است، اگر سرمایه و کار مهم‌ترین شاخصه‌های ساختاری جامعه صنعتی در نظر گرفته شود، اطلاعات و دانش^۱ را می‌توان از شاخصه‌های جامعه پسا صنعتی یا جامعه‌ی دانش برشمرد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سازمان اجتماعی یک بخش پسا صنعتی تفاوت بسیار زیادی با یک بخش صنعتی خواهد داشت. لی‌گرو، یکی از متفکرین نوین تعلیم و تربیت این تمایز را در بخش آموزشی در دو پارادایم متفاوت می‌بیند و می‌نویسد: «بسیاری از نهادهای آموزش عالی» در حال تحرک برای بازسازی زیرساخت‌ها، طراحی مجدد

۱. منظور از اطلاعات، داده‌های اصلی و اساسی همچون تاریخ پرداخت دستمزد، تسویه حساب‌های بانکی، زمان‌بندی تولید، داده‌های آماری، تجزیه و تحلیل‌های ابدعی و تحقیقات بازاری است. منظور از دانش، قضاوت‌های مستدل یا نتایج آزمون و خطایی است که به صورت سیستماتیک با دیگران در میان گذاشته می‌شود (دانیل بل، ۱۳۸۲).

مؤثر در زمینه‌ی جهانی، لازم است که میان اثر تغییر قدرت در حکومت ملی و توانایی آن در مدیریت مؤثر آموزشی و گرایش‌های ضد حکومتی که این جریان حاصل آن است، تفاوت قایل شد. ویژگی‌های عمومی جهانی شدن که همبستگی بالایی نیز با نظام‌های آموزشی دارند در چند محور اساسی زیر می‌توان خلاصه کرد:

- تغییر سازمان کار و شکل‌گیری جهان کار
- افزایش تقاضا به مهارت‌های سطح بالا
- شکل‌گیری فزاینده مشاغل چند وظیفه‌ای
- افزایش تقاضا برای آموزش عالی بویژه از سوی زنان و حتی در میان بزرگسالان
- الزام ملت - دولت‌ها به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی
- افزایش رقابت در ارزیابی کیفیت و اعتبار سنجی آموزش عالی
- افزایش ضرورت تنوع بخشی به عرضه آموزش عالی
- افزایش ضرورت بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در قلمرو آموزش عالی.

تغییرات مشترک جهانی در زمینه آموزش عالی

بدیهی است که هر کشوری با ویژگی‌های خاص اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود در رویارویی با اقتصاد جهانی در عصر اطلاعات، شرایط خاص خود را خواهد داشت؛ زیرا اقتصاد برخی کشورها مبتنی بر کشاورزی است و برخی دیگر صنعتی و در حال گذر به سوی خدمات اقتصادی؛ بنابراین هر شرایطی استراتژی گسترش آموزش خاص خود را می‌طلبد. اما در مجموع محورهای عمده‌ای وجود دارد که در این راهبردها می‌تواند مشترک باشد که این محورها را چنین می‌توان برشمرد:

- دولت‌ها (state) صرف‌نظر از شکل ملی، منطقه‌ای و محلی که دارند، مسئولیت بهبود و گسترش آموزش را بر عهده دارند. این بدان مفهوم نیست که دولت‌ها مدیریت مراکز آموزشی را بر عهده داشته باشند، بلکه به این مفهوم است که دولت‌ها به صورت گسترده‌ای همچنان تأمین منابع مالی آموزش را بر عهده خواهند داشت و همچنان در زمینه تنظیم استانداردها، چگونگی اختصاص منابع در بین سطوح تحصیلی و تنظیم برنامه‌های

که فروخته شده باشد، ولی همواره با تولید کننده باقی می‌ماند. دانش یک کالای جمعی است که از ابتدای پیدایش خود ماهیتاً در دسترس همگان قرار می‌گیرد و این ماهیت موجب می‌شود که افراد یا بخش خصوصی انگیزه بسیار کمی برای تولید آن - به ویژه هنگامی که هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند - داشته باشند. به همین دلیل است که لازم است نهادهای اجتماعی نظیر دانشگاه یا دولت هزینه‌های تولید آن را تقبل کنند (دانیل بل، ۱۳۸۲: ۹).

جهانی شدن و آموزش عالی

همان‌گونه که در تشریح جامعه دانش ذکر شد، تغییرات تاریخی زندگی انسان‌ها را در کشورهای پیشرفته دستخوش تغییرات عمیقی کرده است و اثرات آن در سایر کشورها نیز کم و بیش محسوس است. بدین معنی که عرصه کنش اعضای جامعه جهانی گستره‌ای به پهنای کره خاکی یافته است.

جهانی شدن را، هم می‌توان افزایش رقابت معنی کرد و این افزایش رقابت نه تنها در عرصه شهرها یا یک کشور که حتی فراتر از مناطق می‌باشد. در مفهومی دیگر، جهانی شدن بدین معنی است که کالا، خدمات، دانش و حتی آموزش و نوآوری محدود به مرزهای ملی نمی‌شوند. تا جایی که می‌توان گفت هر چیز حتی روابط خانوادگی و دوستی به سرعت در فضا و زمان متفاوتی انجام می‌شوند. این امور از انجام ازدواج گرفته تا روابط دوستی و یا تولید پیشرفته‌ترین قطعات، جنبه‌ای فراملی و فرامنطقه‌ای به خود گرفته است. ازدواج‌های اینترنتی، ایجاد روابط دوستانه از طریق رایانه و تولید تراشه‌های رایانه‌ای جنبه‌ی فراملی به خود گرفته است و کودکان نیز با نگرستن به برنامه‌های رادیو و تلویزیون‌های فراملی در حال مفهوم‌سازی مجدد از «جهان» هستند.

برای پی بردن به این نقش، لازم است که میان اثرات آموزشی جهانی شدن و ایدئولوژی نئولیبرال که خواهان توسعه و بسط اقتصاد جهانی با سمت و سویی خاص است، تفاوت قایل شد و این کار ساده‌ای نیست. به عنوان مثال، تمرکززدایی می‌تواند نمودی از جهانی شدن تلقی شود، که خود موجب تغییر قدرت سیاسی دولت‌های ملی می‌شود اما تمرکززدایی می‌تواند حاصل ایدئولوژی باشد که دیوان سالاری دولت مرکزی را مانع ذاتی رشد بخش خصوصی تلقی کند. برای توسعه سیاست آموزش

بهبود آن خواهند کوشید.

در یافتن علل اصلی و سرنخ‌های ریشه‌ها و علل عقب ماندگی به ویژه در دو دهه اخیر و نبود راهبردهای بنیادی برای خروج از شرایطی است که به نظر بسیاری از صاحب‌نظران در حالی «بحرانی» است (ایمانی، ۱۳۸۰).

آنچه که اساسی‌ترین مشکل کشورهای جهان سوم را تشکیل می‌دهد، شکاف ناشی از علم و تکنولوژی است که «جنوب» را از «شمال» متمایز می‌سازد و همان گونه که دانشمند مسلمان، عبدالسلام بر آن تأکید داشت: «کل جهان سوم، کم کم دارد دستگیرش می‌شود که در تحلیل آخر، آنچه «جنوب» را از «شمال» متمایز می‌کند علم و تکنولوژی است. استانداردهای زندگی یک ملت و استحکامات تدافعی آن به علم و تکنولوژی وابسته است. بویژه در عصر کنونی که، عرصه‌های رقابت از حالت ملی و حتی منطقه‌ای فراتر رفته و جنبه جهانی به خود گرفته است».

نگاهی به تاریخ فلسفه و فلسفه علم نیز می‌تواند مؤید این مهم باشد که علت توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم را باید در توسعه نیافتگی علمی جست‌وجو کرد. بی‌دلیل نیست که در غرب «دکارت» به عنوان «سرسلسله انسان‌های مدرن» شناخته شده است. بسیار روشن است که اعطای چنین لقبی به او از منظر فلسفی نیست؛ بلکه به این دلیل است که او بنیان‌گذار اندیشه نوین علمی غرب است. اندیشه‌ای که به قانون‌مندی جهان، شناخت این قانون‌مندی و ایجاد تغییر از طریق این شناخت ایمان دارد. این سه مؤلفه، مرز میان سنت و مدرنیته را ترسیم و او را از اسلاف خود جدا می‌سازد.

بنابراین، اگر بخواهیم مشکلات کنونی جامعه ایرانی را رصد کنیم تا بتوانیم راهبردهایی برای خروج از این «بحران» و آشفتگی بیابیم، چاره‌ای نیست جز توسل جستن به ترویج اندیشه علمی و گام نهادن در مسیری که به «تولید، توزیع، ترویج و انتشار علم» در جامعه منتهی می‌شود. بویژه این که جامعه امروزی ما، با مسایلی مواجه است که اگر، به عنوان یک فرصت از آن استفاده نشود، خود می‌تواند راه دستیابی به «توسعه علمی» را دشوارتر کند و تهدیدی نیز برای آینده ما محسوب شود.

۱. جوانی جامعه ایرانی

از جمله ویژگی‌های جامعه ایرانی، جوان بودن آن است. رشد

• فرصت‌های سیاسی و مالی گوناگونی برای مشروط ساختن مسیر گذر آموزش به سوی جهانی شدن وجود دارد. از جمله این فرصت‌ها می‌توان به به‌گزینی، تدوین استانداردها، تمرکززدایی و استقلال مراکز آموزشی اشاره کرد. دولت‌ها می‌توانند در زمینه دستیابی عادلانه، بهبود کیفیت آموزش اقشار محروم و تولید دانش به گونه‌ای مؤثرتر و عادلانه‌تر برای تمامی دانش‌جویان در اقتصاد دانش‌نقشی ایفا کنند.

• سازماندهی خوب و مناسب عمومی (دولتی) نظام آموزشی، کلید بهبود آموزش در عرصه اقتصاد جهانی است. رشد اقتصادی و آموزشی مؤثر در محیط جهانی مستلزم سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی، نوآوری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فنی است که در نهایت به کارآیی و صداقت دولت‌ها بستگی دارد.

• آموزش‌گران همچنان در توزیع آموزش نقش اساسی ایفا می‌کنند و کیفیت آموزشی به صورت گسترده‌ی به کیفیت آموزش و تلاش آموزش‌گران بستگی دارد بنابراین با توجه به نقش اساسی آموزش‌گران، لازم است تصمیم‌گیران سیاست‌های آموزشی تصویر روشنی از آموزش‌گران ترسیم کنند و به علاوه مشخص شود که آموزش‌گران نقش خود را در نظام آموزشی چگونه ترسیم می‌کنند. به این ترتیب، نوع مقررات انگیزشی، آموزش و چگونگی برگزیدن آنها می‌تواند در افزایش تلاش و بهبود کیفیت آنها و انتقال دانش به فراگیران مؤثر باشد.

اگر این چهار محور را به مثابه چارچوب راهبردهای آموزشی در آینده در نظر بگیریم، گزینه‌های زیادی در پیش رو خواهد بود. تنها «یک راه مستقیم و مشخص» برای سازماندهی نظام آموزشی در دو یا سه هفته آینده وجود ندارد، اما واقعیت‌های عینی مختلفی وجود دارد که تصمیم‌گیران آموزشی باید مدنظر داشته باشند.

چالش‌های کنونی جامعه ایرانی در ورود به عصر دانش

مشکلات و چالش‌هایی که جامعه ایرانی در حال حاضر برای ورود در عرصه چالش‌های جهانی شدن با آن روبه‌روست چندان از مشکلات و چالش‌های کشورهای در حال توسعه جدا نیست، گرچه ویژگی‌های اقلیمی در برخی موارد مشکلات خاص و ژرف‌تری برای ما ایجاد کرده است که آن هم ناشی از سردرگمی

و کمی کنونی در پذیرش دانشجو و توسعه آموزش عالی به هیچ‌رو نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد.

نبود رویکرد علمی و پژوهش محور در برنامه‌ریزی کلان ملی به ویژه در زمینه علوم و فن‌آوری، از جمله مسائلی است که معضلات پیچیده‌ای را برای کشور ایجاد کرده است.

۲. بحران اشتغال

در حال حاضر، سهم ایران در تجارت جهانی، بدون احتساب نفت، در حد قابل اعتنا نیست و این شرایط، توسعه نیروی انسانی و بازسازی صنایع را ضروری می‌سازد. هم‌اکنون از ۹۲۷/۰۰۰ نفر شاغل در بخش صنعت حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر مازاد هستند. به علاوه در بخش دولتی می‌توان ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر را کنار گذاشت که در این صورت ۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر به تعداد بیکاران افزوده خواهد شد.

طبق آمار موجود نرخ رشد ۱۴/۲ درصدی بیکاری در کشور، از معضلاتی است که باید برای آن راه حلی به صورت جدی اندیشید. از سال ۷۹ به بعد به طور متوسط حدود دو میلیون تقاضا برای کار به وجود آمده است. در حالی که در سال ۷۹ تنها ۴۰۰/۰۰۰ فرصت شغلی ایجاد شده است. و حتی نسبت به برنامه توسعه سوم که ایجاد ۷۵۰/۰۰۰ فرصت شغلی را پیش‌بینی کرده بود تا نرخ بیکاری در سطح ده درصد باقی بماند، عقب‌تر هستیم (طایی، ۱۳۸۰).

بی‌رویه جمعیت در سال‌های پس از انقلاب، که به دلیل اجرای سیاست‌های نسنجیده به وقوع پیوست، کم‌کم آثار و پیامدهای خود را در جامعه نشان می‌دهد. نگاهی گذرا به داده‌های آماری در این رابطه بسیار گویاست. به موجب آخرین برآورد آماری جمعیت واجد شرایط از نظر سنی برای ورود به آموزش عالی کشور، یعنی گروه سنی ۱۸-۲۴ به شرح ذیل می‌باشد:

سال	تعداد جمعیت
۱۳۸۰	۱۰/۵۵۰/۱۰۴
۱۳۸۱	۱۰/۸۱۳/۱۱۳
۱۳۸۲	۱۱/۳۲۵/۱۲۴
۱۳۸۴	۱۲/۰۰۴/۴۸۷
۱۳۸۵	۱۲/۵۵۶/۰۸۳

منبع: محمد علیزاده، ۱۳۸۰، تحولات جمعیتی کشور و پیش‌بینی روند آن تا سال ۱۳۹۰، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

نکته مهم‌تر این که تعداد این گروه سنی تا سال ۱۳۸۵ همچنان رو به افزایش بوده است و در این سال به اوج خود خواهد رسید. به علاوه باید در نظر داشت که با توجه به افزایش تعداد دانش‌آموزان در دوره تحصیلات متوسطه در طی این سال‌ها، تقاضا برای ورود به آموزش عالی همچنان افزایش خواهد یافت. به این ترتیب، بسیار روشن خواهد بود که ادامه وضع کیفی

نوع فعالیت	تعداد کل شاغلین	جمعیت شاغل متخصص	نسبت جمعیت شاغل جمعیت شاغل %
بخش کشاورزی	۳/۳۵۷/۲۶۳	۱۵/۷۱۵	۰/۴۵
بخش معدن	۱۱۹/۸۸۴	۱۴/۹۳۷	۱۲/۴۶
بخش صنعت	۲/۵۵۱/۹۶۲	۹۰/۰۶۴	۳/۵۳
بخش ساختمان	۱/۶۵۰/۴۸۱	۳۹/۲۹۲	۲/۳۸
بخش آب، برق و گاز	۱۵۰/۶۳۱	۲۴/۹۹۶	۱۶/۵۹
بخش خدمات مالی، بیمه، ملکی حقوقی و تجاری	۳۰۱/۹۶۲	۶۰/۵۸۵	۲۰/۰۶
بخش خدمات عمومی اجتماعی و متخصص	۳/۲۸۲/۵۰۲	۱/۰۲۶/۷۸۴	۳۱/۲۸
بخش عمده فروشی، خرده فروشی، رستوران و هتلداری	۱/۹۲۷/۰۶۷	۶۱/۰۳۴	۳/۱۷
بخش حمل و نقل و ارتباطات و انبارداری	۹۲۷/۷۹۲	۴۲/۵۰۸	۴/۳۷
بخش فعالیت‌های غیرقابل طبقه‌بندی	۲۵۷/۰۲۸	۲۶/۷۰۲	۱۰/۳۹
کل	۱۴/۵۷۱/۵۷۲	۱/۴۰۲/۶۱۷	۹/۶۳

منبع: طایی، حسن، ۱۳۸۰، بازشناسی وضعیت منابع انسانی و تراز نیروی انسانی متخصص کشور، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

آمار و ارقام معتبری که بیانگر وضعیت فعلی کشور باشد، در دست نیست. اما آمارهایی که به طور غیررسمی در این مورد منتشر شده است حاکی از وخامت اوضاع است تا جایی که گفته می‌شود ۹۶٪ برگزیده‌های المپیادهای علمی، از کشور خارج شده‌اند. داده‌های آماری مختلفی از سوی منابع گوناگون داخلی و خارجی ارائه شده‌اند.^۱ به عنوان نمونه، طبق آمار رسمی نشریه اداره بازرگانی آمریکا از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ تعداد مهاجران ایرانی ۲۸۰۴۰۰ نفر است که ۸۰٪ آنها دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. بالاخره این که برخی از آمارها تنها مهاجران سال‌های ۶۰-۱۳۵۷ را حدود ۲ میلیون نفر تخمین می‌زنند.^۲ به رغم داده‌های آماری متفاوت می‌توان برآورد کرد که حجم مهاجرت نخبگان بسیار بالا بوده است و از نظر تیپ شناسی در خصوص دانش‌آموختگان شامل گروه‌های مختلف به این شرح می‌باشد: اعضای هیأت علمی، برگزیدگان المپیادها و کنکورهای سراسری، دانشجویان اعزام بورسیه و غیر بورسیه، سایر متخصصان، محققان و کارشناسان، مدیران میانی و... به این ترتیب اگر میانگین هزینه تحصیلی یک دوره ۱۸ ساله بدون مردودی را تنها تا گرفتن مدرک کارشناسی ۱۲۵/۰۰۰ دلار^۳ در نظر بگیریم و تعداد مهاجران با این مدرک را نیز یک میلیون در نظر بگیریم، ۱۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌های انسانی را از دست داده ایم و می‌توان نتیجه گرفت که ساماندهی مسائل علمی کشور، تا چه حد می‌تواند در آینده کشور مؤثر واقع شود. بویژه در شرایطی که به موجب پژوهش‌های انجام شده ۳۲ درصد از اعضای هیأت علمی کنونی دانشگاه‌های ایران مایل به مهاجرت از ایران هستند (طایفی، ۱۳۸۰).

۴. نظام آموزشی کشور

اگر چه طرح مسایل و مشکلات آموزشی کشور در این مختصر

اما آنچه که در حوزه اشتغال در سطح کشور نگران کننده است نسبت شاغلین متخصص در بخش‌های شغلی مختلف است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، ارقام بالا بیان گر آن است که بخش‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور، شدیداً با فقر نیروی انسانی دانش‌آموخته روبه‌روست. این مسئله با توجه به خصوصیتی که برای جامعه دانش ذکر شد، که فعالیت‌ها در آن شدیداً دانش‌بر هستند، بیان‌گر فاصله‌ای است که ما حتی با جوامع نیمه صنعتی داریم. چنین شرایطی ایجاب می‌کند که تصمیم‌گیران عرصه ملی باید به فکر چاره‌ای کارساز برای خروج از موقعیتی باشند که هیچ تناسبی با جامعه آینده جهانی نخواهد داشت.

۳. فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان

نبود ساختار مناسب علمی برای جذب نخبگان علمی از جمله مشکلات درونی کشور و عوامل رانشی در پدیده فرار مغزها از کشور است. این معضل تا آنجا پیشرفته است که به موجب گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران در میان ۶۱ کشور در حال توسعه مقام اول را به خود اختصاص داده است. اگرچه بررسی علل مهاجرت نخبگان در این نوشتار میسر نیست، اما نگاهی گذرا به این معضل اجتماعی که از نظر صاحب‌نظران به مثابه یکی از بحران‌های اصلی کشور است، می‌تواند ضرورت پرداختن به یافتن راهکارهای علمی و عملی را روشن تر سازد. از آنجا که علم و حاملان آن جایگاه و موقعیت اصلی خود را در برنامه‌های اجرایی کشور باز نیافتند، در نتیجه ساختاری نیز که بتواند نسبت به تعیین راهبردها و مزیت‌های نسبی کشور در این زمینه به فعالیت بپردازد، اساساً وجود ندارد. به همین دلیل، تاکنون در سطح کشور به رغم انجام طرح‌های پژوهشی پیاپی،

۱. طبق آمار اداره گذرنامه در سال ۷۸ هر روز به طور متوسط ۱۵ نفر با مدرک کارشناسی ارشد، ۲/۳ نفر با مدرک دکترا و ۵۴۷۵ نفر با مدرک کارشناسی جلالی وطن کرده‌اند.

۲. اخبار و رویدادهای فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳. اگر حتی صرفاً از نظر مادی و اقتصادی به دانش‌آموختگان آموزش عالی نگاه کنیم، سرمایه‌ای را که طی این سال‌ها از دست داده ایم و حتی صرف نظر از تولیدات و پیامدهای مثبتی که حضور آنها در جامعه می‌توانست داشته باشد بسیار چشمگیر است. به عنوان نمونه نگاهی داریم به هزینه تحصیلی در کشور فرانسه:

از سوی مجمع ملی فرانسه هزینه تحصیل از سه سالگی تا دریافت دیپلم عمومی تکنولوژی، بدون مردودی ۵۴۲/۲۰۰ فرانک فرانسه معادل (۹۰/۰۰۰ دلار آمریکا) و برای دریافت دیپلم حرفه‌ای معادل ۶۰۵/۱۰۰ فرانک فرانسه معادل (۱۰۰/۰۰۰ دلار) طبق برآورد سال ۱۹۹۹ هزینه برآورد.

همچنین هزینه تحصیلی یک دانشجوی در دانشگاه‌های دولتی ۴۱۲۰۰ فرانک فرانسه (معادل ۷۰۰۰ دلار)، در مؤسسه‌های تکنولوژیکی ۵۵۹۰۰ فرانک فرانسه (معادل ۹۰۰۰ دلار)، در مدارس عالی مهندسی ۷۷۸۰۰ فرانک فرانسه (معادل ۱۳۰۰۰ دلار) تعیین شده است. به این ترتیب یک دوره تحصیلی ۱۸ ساله، بدون مردودی که به گرفتن لیسانس ختم شود، ۶۶۶۰۰۰ فرانک فرانسه (معادل ۱۱۱/۰۰۰ دلار) هزینه دارد. این مبلغ برای مدرک دانشگاهی تکنولوژی ۶۵۴/۰۰۰ فرانک (معادل ۱۲۰/۰۰۰ دلار) برای مدرک تحصیلی ۲۰ ساله مهندسی ۹۳۲۴۰۰ فرانک فرانسه (معادل ۱۵۴۰۰۰ دلار آمریکا) برآورد شده است (جاودانی، حمید. نظام آموزش عالی فرانسه، ۱۳۸۰).

ناشی از جهانی شدن و اثرات آن بر شئون مختلف جوامع بشری به ویژه آموزش عالی که در صف نخست این فرآیند قرار می‌گیرد، و با توجه به چالش‌هایی که دانشگاه و دانش‌گاہیان کشورمان در وضعیت کنونی با آن روبه‌رو هستند، باید در اندیشه راهبردها و راهکارهایی بود که ضمن اصلاح وضع موجود، آمادگی‌های لازم برای وارد شدن در عرصه رقابت‌های جهانی شده برآمده از فرآیند جهانی شدن را ایجاد کند. با توجه به ویژگی‌های عمومی نظام‌های آموزش عالی و عمومیت یافتن محیط آن که به عرصه جهانی انتقال یافته است، این اصلاحات را در سه محور زیر می‌توان گنجانید:

اصلاحات رقابت - محور

هدف از انجام اصلاحات رقابت - محور، در وهله نخست بهبود اثر بخشی و کارایی از طریق بهبود «کیفیت» کار است. در عمل، این فلسفه به معنای گسترش میانگین سطح دستیابی و بهبود بخشیدن به «کیفیت» یادگیری در تمامی سطوح آموزشی است. در زمانی که کیفیت فراگیران براساس پیشرفت تحصیلی و تناسب آموزشی برای تغییر جهان کار سنجیده می‌شود، گسترش بی رویه دسترسی و بی‌توجهی به کیفیت نه تنها چاره ساز نیست که در واقع نوعی هرز رفت سرمایه‌های ملی است.

اصلاحات رقابت - محور را در چهار سطح می‌توان خلاصه کرد: (۱) تمرکز زدایی: مجامع محلی، آموزشگران و مدیران مراکز آموزشی که بر مبنای شایسته‌گزینی انتخاب شده‌اند لازم است از استقلال بیشتری در برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی برخوردار شوند. به این ترتیب، مراکز آموزشی در ازای برخورداری از استقلال باید پاسخ‌گو در قبال برون دادهای خود باشند و به این ترتیب موجب بهبود کیفیت آموزشی خواهند شد (Hanna Way and Carnoy: ۱۹۹۳).

(۲) استانداردسازی: در واقع به معنای نوعی «تمرکز گرایی» است که براساس استانداردها بر نهادهای آموزشی اعمال می‌شود (در حالی که کنترل اصلی در دست کارکنان مراکز آموزشی است). به این ترتیب فراگیران باید به حداقل استانداردهای اعلام شده دست یابند.

سازمان بین‌المللی کار (ILO) و یونسکو نیز ضمن پذیرش نکات یاد شده از سوی (OECD) بر چند نکته دیگر نیز تاکید دارند که عبارتند از: «شرایط کاری آموزشگران و نقش آن‌ها در

نمی‌گنجد، اما با توجه به مسایل یاد شده پرداختن به این موضوع چه از لحاظ آسیب شناسی وضع کنونی و چه از نظر ایجاد تغییرات بنیادی، می‌تواند از اولویت‌های اصلی کشور محسوب شود؛ چرا که دانشگاه‌ها به عنوان اصلی‌ترین مرجع تولید، توزیع، ترویج و انتشار علم محسوب می‌شوند و چنان چه ساختار و کارکرد آنها با استفاده از رویکردهای علمی، تجربه‌ها و توصیه‌های جهانی اصلاح شود می‌تواند از جمله اساسی‌ترین روش‌ها در حل معضلاتی باشد که جامعه کنونی ما با آن روبه‌روست. پرفسور عبدالسلام در این زمینه می‌نویسد: «انتقال علم از جوامع عالمان تأثیر می‌گیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. این قبیل جوامع باید خودشان را از لحاظ ذخایر انسانی و زیر ساخت به سطح بحرانی برسانند چنین پیشرفتی نیازمند سیاست‌های علمی خردمندانه‌ای است که مبتنی بر این چهار اصل است: دل سپردگی طولانی مدت، حمایت سخاوتمندانه، استقلال و خودگردانی جامعه علمی و ارتباطات آزاد بین‌المللی». به ویژه در شرایطی که باز به زعم عبدالسلام «در کشورهایی نظیر کشورهای ما به دانشمندان طراز اول میدان داده نشده است... و سابقه این محرومیت آن قدر طولانی است که دانشمندان نیز فراموش کرده‌اند که آنها باید مدعی سهمی در پیشرفت کشورشان باشند... قبل از هر چیز ما به سواد علمی و آموزش علمی در تمامی سطوح و بویژه در سطوح بالاتر نیازمندیم». و در ادامه می‌افزاید: «عدم درک نقش بالقوه دانشمندان ناشی از کوتاه نظری برنامه ریزان و اقتصاددانان است...».

بنابراین، شاید بتوان گفت، برترین راه خروج از بحران‌هایی که هم اکنون جامعه ما را در بر گرفته است پرداختن به توسعه علمی است که در رأس آنها دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی قرار دارند. چرا که به قول پرفسور عبدالسلام: «مسئله ما مسئله رشد علم در کشورهایمان است... علم و تکنولوژی در حکم «نان شب» و تنها امید اصلی بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی است. علم را نباید یک جور فعالیت حاشیه‌ای قلمداد کرد». در این رابطه نیز نباید به دنبال «علم با ربط» رفت چرا این شعار کشورهای پیشرفته، صدمه‌های زیادی به کشورهای در حال توسعه وارد کرده است.

اصلاحات راهبردی

با عنایت به مسائلی که در صفحات قبل در تشریح تغییرات

جهان سوم به دلیل ماهیت غیر مردم سالارشان می شود؛ بویژه در زمینه کالاهای عمومی و شبه عمومی همانند آموزش، بهداشت و تامین اجتماعی فروکاست. در نتیجه، باید به دنبال راهبردهای آموزشی بود که - از طریق آن بتوان با بهره گیری بهینه از سرمایه گذاری بخش عمومی به ارتقاء کیفیت آموزش پرداخت.

اصلاحات عدالت - محور

هدف اصلی از اصلاحات عدالت - محور افزایش فرصت های برابر اقتصادی است. از آنجا که آموزش در غالب کشورها عامل اساسی در کسب درآمد و موقعیت اجتماعی است، ایجاد فرصت های برابر در دسترسی به آموزش و آموزش عالی با کیفیت می تواند نقش اساسی در ایجاد عدالت اجتماعی ایفا کند.

اصلاحات عدالت - محور در برگیرنده موارد ذیل است:

- ایجاد شرایط لازم برای دستیابی به آموزش عالی برای گروه های اجتماعی که به نوعی از دسترسی به آن محروم مانده اند و بویژه ایجاد شرایط لازم برای دستیابی افراد کم درآمد به آموزش عالی در شرایطی که خصوصی سازی بخشی از آموزش عالی سرلوحه ی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. این دسته از اصلاحات لازم است بر مبنای رعایت اصل تساوی افقی و عمودی به مرحله اجرا درآید.

نتیجه گیری

مسائل: اگر چه در طول تاریخ، جامعه انسانی همواره بر پایه دانش استوار بوده است، اما در عصر حاضر، دانش به مثابه عنصری ارزش آفرین نخستین رده را به خود اختصاص داده؛ بنابراین نهادهای تولید دانش و به ویژه دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به مثابه اردوگاه تولید دانش نوین بیشترین نقش را در فرآیند پیچیده توسعه ایفا می کنند و پرداختن به آن می بایست از اولویت های نخستین تصمیم گیران و برنامه ریزان توسعه کشور باشد؛ چرا که یک نظام آموزشی سازمان یافته علاوه بر تولید دانش و تربیت نیروی انسانی ماهر که نیازهای ضروری کشور را برطرف می سازد می تواند موجب جذب نه تنها سرمایه های داخلی در مسیر صحیح شود، بلکه در بلندمدت موجب جذب سرمایه های خارجی در جامعه

تصمیم گیری های تغییرات آموزش در سطح ملی و محلی که می تواند موجب بهبود کیفیت آموزش شود.

۳) بهبود مدیریت منابع آموزشی: بسیاری از طرح های بهبود برون دادهای آموزشی بر مبنای استفاده از منابع جدید و مدیریت و تخصیص بهینه ی منابع موجود طراحی شده است که می تواند موجب پیشرفت تحصیلی با هزینه های پایین تر شود.

۴) ارتقاء آموزشی آموزشگران و چگونگی استخدام آن ها. به کارگیری آموزشگران با کیفیت برتر و تاکید بر آموزش قبل از خدمت و آموزش ضمن خدمت آنها، به منظور روز آمد نگاه داشتن سطح مهارت ها و دانایی آنها، اصرار می ورزد. مؤلفه هایی که در جذابیت حرفه ای آموزشگران تاثیر می گذارد به چند نکته تاکید دارد که عبارتند از: حقوق مناسب، نگرش جامعه به آموزشگران، از انزوا خارج ساختن آموزشگران در حین کار و بالاخره چگونگی رفتار دیوانسالاری اداری با آنها.

اصلاحات مالی - محور

جهانی شدن به هر رو می تواند به مفهوم افزایش رقابت ملت ها در اقتصاد بین المللی نیز مفهوم سازی شود. این رقابت با استفاده از ارتباطات سریع و فن آوری رایانه ای همچنان فزاینده به پیش می رود. به این ترتیب تمامی اقتصادهای ملی لازم است روابط تولیدی و اقتصادی خود را به گونه ای تنظیم کنند که ضمن حفظ رقابت پذیری خود در عرصه جهانی، سرمایه گذاری ملی در بخش عمومی نظیر آموزش، بهداشت و... را نیز با دشواری روبه رو نسازند.

بر خلاف توصیه های نهادهای اقتصادی جهانی - بویژه به کشورهای جهان سوم - که بر مبنای ایدئولوژی نئولیبرال و بدون توجه به ویژگی های ساختاری و عملکردی این گونه از کشورها نسخه واحدی برای آنها می پیچند؛ اصلاحات ساختاری بسان مقررات زدایی و خصوصی سازی به تعبیر داگلاس نورث (۱۳۸۱) بدون «ساختار بنیادی حاکمیت قانون و سازوکارهای ضمانت اجرای آن به چیزی که اصلا ارزش داشته باشد نمی انجامد و لازم است پای بندی ها و محدودیت های غیر رسمی را تغییر داد». بنابراین نمی توان هدف از اصلاحات مالی را تا حد تنها کاهش هزینه های بخش عمومی - که اغلب نیز مورد استقبال کشورهای

جوان و پویایی ما شود. به این ترتیب توسعه علمی می‌تواند به مثابه شرط بقا دنیای جهانی شده کنونی تلقی شود.

چالش‌ها: از آنجا که شکاف شمال و جنوب ناشی از شکاف علم و تکنولوژی میان این دو دسته از کشورهاست، پرکردن این شکاف نیازمند پیدایی اراده سیاسی در میان نخبگان حاکم و برنامه‌ریزان در کشورهای در حال توسعه است.

سیاست‌گذاری علمی و آموزشی شفاف با رویکردی علمی با مشارکت تمامی بازیگران و ذی‌نفعان و تامین منابع مالی مناسب برای آن در عصر حاضر به یکی از وظایف اساسی دولت‌های در حال توسعه برای تامین منافع ملی و حرکت به سوی آینده تبدیل شده است. در سطوح خردتر، یعنی مسایل مربوط به درون نظام علمی کشور از جمله افت کیفی آموزش و پژوهش، توسعه کمی بی‌ضابطه، عدم بهره‌گیری از توان‌های بالقوه علمی کشور که باعث تشدید فرار مغزها از کشور شده است و همچنین حاکمیت دیوان‌سالاری سنتی اداری برنظام علمی کشور و نبود رهبری علمی و نظام ارزیابی و بالآخره عدم توانایی نظام آموزش عالی به پاسخ‌گویی تقاضای اجتماعی موجود در جامعه از جمله چالش‌هایی است که جای دارد در برنامه‌های توسعه با دقت بیشتر به آن پرداخته شود.

ظرفیت‌ها: جوانی جامعه ایرانی، که می‌تواند به مثابه فرصتی در فرآیند توسعه تلقی شود، چنان‌چه مورد بی‌عنایتی برنامه‌ریزان عرصه ملی قرار گیرد خود می‌تواند به بزرگترین تهدید در آینده تبدیل شود. افزایش جمعیت گروه سنی ۱۸-۲۴ که تا سال ۱۳۸۵ حدود ۱۲/۵ برآورد شده است، چنان‌چه برنامه‌ریزی علمی و آموزشی نظامند و صحیحی به دنبال نداشته باشد می‌تواند تهدیدی جدی برای آینده کشور تلقی شود.

بهره‌گیری از توان علمی ایرانیان داخل و خارج از کشور که از پتانسیل‌های بالقوه کشور به‌شمار می‌آید، از جمله ظرفیت‌هایی است که تاکنون به شیوه‌ای نظامند از آن استفاده نشده است. این توان از جمله ظرفیت‌هایی است که برنامه‌ریزی و بهره‌گیری صحیح از آن می‌تواند جایگاه کشور در نظام جهانی را تثبیت کند.

تحولات اخیر در عرصه جهانی که ارزیابی می‌شود کاهش نقش ملت - دولت‌ها را در پی خواهد داشت و می‌تواند به کاهش مشروعیت آنها بیانجامد، اما در عین حال مشروعیت ملت - دولت‌ها و حکومت‌های منطقه‌ای و محلی به طور فزاینده‌ای به توانایی آن‌ها

در ایجاد شرایط مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی که جز از طریق آموزش میسر نیست، بستگی دارد و در نهایت اینکه لزوم انجام اصلاحات در نظام آموزش عالی کشور، علاوه بر این که یک ضرورت ملی است، از الزاماتی است که فرآیند جهانی شدن، به مثابه پدیده‌ای گریز ناپذیر در عصر کنونی، بر آن تاکید دارد و هم دانشگاه و دانشگاهیان جز پذیرش این تحولات و هم پیوندی و هم سویی با آن که جز به تعالی کشور و کاهش شکاف با کشورهای توسعه یافته نخواهد انجامید، گریزی ندارند.

منابع:

- انوری، مرتضی. (۱۳۷۶). فن‌آوری اطلاع‌رسانی و آموزش عالی: الگوی بدیعی برای قرن بیست و یکم. سمینار منطقه‌ای آموزش عالی در قرن آینده. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- جاودانی، حمید. (۱۳۸۷). بررسی الزامات جهانی شدن و چالش‌های اساسی پیش روی آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- جیمز رابرتسون. (۱۳۷۸). آینده کار، مترجمان: سیدمهدی الوانی، حسن دانایی‌فرد، نشر نی تهران.
- خبرنگار آموزش عالی سال اول شماره ۷: دانشگاه مجازی آفریقایی. ترجمه حمید جاودانی تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.
- خبرنگار آموزش عالی سال اول شماره ۹: دانشگاه مجازی. ترجمه دکتر هادی شیرازی بهشتی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.
- خبرنگار آموزش عالی. سال اول شماره ۱: سرآغاز. مصطفی ایمانی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.
- خبرنگار آموزش عالی. سال اول شماره ۶: عقب ماندگی علمی و توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی. مصطفی ایمانی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.
- دانیل بل. (۱۳۸۲). فرا رسیدن جامعه پسا صنعتی، ترجمه محمدحسین حیدرپور، یاسین نو، شماره ۷۰، خردادماه ۱۳۸۲، تهران.
- ژاک دولور و همکاران. (۱۳۷۶). گزارش کمیسیون بین‌المللی آموزش و پژوهش برای قرن بیست و یکم، یادگیری کنج درون، ترجمه: دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی آموزش و پژوهش، تزکیه، تهران.
- کمیسیون ملی یونسکو در ایران. پیام یونسکو. آموزش عالی ... و بعد؟. شماره ۳۴۰ سال سی‌ام. کمیسیون ملی یونسکو.
- کاظمی، نصرت. (۱۳۸۰). تاملی بر آموزش از راه دور در آغاز هزاره نوبین، سمینار کاربرد تکنولوژی آموزشی در آموزش عالی ایران. دانشگاه اراک.
- لزلنی اسکلیز. (۱۳۸۱). جامعه شناسی نظام جهانی، ترجمه علی هاشمی گیلانی، ویراست دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
- مانوئل کاستلز. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، ترجمه حسن چاوشیان، طرح‌نو، تهران: طرح نو.
- محمدی الموتی، مسعود. (۱۳۸۱). درونی سازی اثرات جهانی شدن در مدل برنامه

- Johns. Bryson et al., (2000), Knowledge – Space – Economy, Routledge. Taylor & Francis, London and New York.
- Joseph Stiglitz, (1999), Scan Globally, Reinvent Locally, Keynote Address, First Global Development Network Conference, December 1999; Bonn, Germany.
- Morin, Edgar (2006) Globalisation et Education: les Sept Savoirs Nécessaire á l'Education du Future, translated by Hamid javdani, Institute for Management and Planning Studies (IMPS):Tehran.
- Paul R. Trowler et al., (2002), Higher Education Policy and Institutional Change, Intention and Outcomes in Turbulent Environments, Open University Press, Buckingham.
- Peter Scott et al, (2000), Higher Education Re- Formed, New Millennium Series, Flamer Press, London and New York.
- Peter Scott, (1998), The Globalization of Higher Education, Open University Press Bucking ham.
- Breton,Gilles&Michel Lambert(2003);Del'internationalisation à la globalisation de l'enseignement Supérieur, dans Globalisation et Université: Nouvel Espace, Nouveaux Acteurs; Edition Unesco/les Presses de l'Université Laval.
- Meyer, John w.(2007);"Globalization:"Theory and Trends", International Journal of Comparative Sociology;vol.48(4),PP.2 61-273;Sage Publication.

- ملی توسعه، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- نقیب‌زاده مشایخ، ابراهیم. آموزش از راه دور. با استفاده از تار جهان‌گستر (www).
- سمینار منطقه‌ای آموزش عالی در قرن آینده. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۳۷۶.
- وحید کیوان.(۱۳۷۶). جهانی شدن جدید سرمایه‌داری و جهان سوم، تهران: نشر توسعه.
- ورنرزد، هیوشی، لوکای‌ویر.(۱۳۸۱). چالش‌های فرا روی آموزش عالی در هزاره سوم، گروه مترجمین، تهران: دانشگاه امام حسین.
- یورگن هابرماس.(۱۳۸۰). جهانی شدن و آینده‌ی دموکراسی، منظومه پساملی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر مرکز.
- Carnoy Martin, (1999), Globalization and educational reform: What Planners need to Know, UNSCO, IIEP, Paris.
- Carrie Paechter et al., 2001, Knowledge, Power and Learning, Panel Chapman Publishing Ltd in association with Open University, London.
- Higher Education in Europe, Vol. XXVL, NO: 3, 2001. Emergence of universities, New Higher Education and Their Role in Local and Regional Development. Taylor & Francis Group, Philadelphia, U.S.A.
- Jacques Delors et al., 1996, L'éducation un trésor est caché dedans, Edition Odile Jacob paris.

